

بررسی حرکت شعر عاشورایی قرن معاصر از مرثیه به حماسه

مسعود سعادت، محمدرضا روزبه*، صفیه مرادخانی، علی نوری

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران.

شهریور ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۶، صفحات ۱-۲۲

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵. ۶۳۹۷

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: شعر عاشورایی همواره تنومندترین شاخه شعر دینی در ادوار مختلف بوده است. با وجود مستعد بودن مسئله عاشورا برای طرح در زمینه‌ها و موضوعات متنوع، غالباً در این نوع از شعر فارسی با نگاهی ماتمزده به مضامین تکراری و یکنواخت پرداخته شده، که عوامل مختلفی از جمله شرایط سیاسی و اجتماعی در آن تأثیرگذار بوده است. در قرن اخیر تحولات بسیاری در شعر فارسی رخ داده است هرچند شعر عاشورایی در دهه‌های ابتدایی و بویژه در دوره پهلوی اول با این تحولات همراه نشد، بتدریج و محتاطانه، دگرگونی‌های بی‌سابقه‌ای را تجربه کرد. این پژوهش ضمن بررسی محتوا و نوع نگرش شاعران به موضوعات عاشورایی در سه دوره پهلوی اول، پهلوی دوم و انقلاب اسلامی، به چرایی و چگونگی این تحولات، با محوریت حرکت شعر عاشورایی از مرثیه به حماسه پرداخته است.

روش مطالعه: این پژوهش به روش تحلیل محتوا و با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای در گردآوری اطلاعات انجام شده است.

یافته‌ها: بررسی و ارزیابی اشعار عاشورایی قرن معاصر نشان می‌دهد که شعر عاشورایی در دوره پهلوی اول، کاملاً با مرثیه‌سرایی و نگاهی سراسر ماتمزده و با موضوعات محدود و تکراری همراه بوده است. در دوره پهلوی دوم علاوه بر حفظ موضوعات و مضامین پیشین، در مواردی نیز تغییر پیدا کرده است، اما شعر عاشورایی انقلاب اسلامی با افق‌های تازه‌ای روبرو شده، از تکرار گذشته فاصله گرفته و با نگاهی حماسی و معرفت‌گرایانه به موضوعات گسترده عاشورایی پرداخته است. **نتیجه‌گیری:** نتیجه حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که میل به حرکت از مرثیه به حماسه در شعر عاشورایی، از دهه چهل و همزمان با ظهور گفتمان مقاومت و مبارزه و نیز رواج نو-اندیشی‌های دینی، آغاز و بعد از انقلاب اسلامی و بویژه با شروع جنگ تحمیلی به اوج خود رسیده است.

تاریخ دریافت: ۱۴ تیر ۱۴۰۰
تاریخ داوری: ۱۶ مرداد ۱۴۰۰
تاریخ اصلاح: ۲۸ مرداد ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۱۹ مهر ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

شعر عاشورایی، مرثیه، حماسه، شعر معاصر

* نویسنده مسئول:

✉ raya.roozbeh@yahoo.com

☎ ۳۳۱۲۰۰۰۱ (۹۸ ۶۶)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Investigating the movement of contemporary Ashura poetry from elegy to epic

M. Sa'adati, M.R. Roozbeh*, S. Moradkhani, A. Nouri

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Lorestan, Khorramabad, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۰۵ July ۲۰۲۱

Reviewed: ۰۷ August ۲۰۲۱

Revised: ۱۹ August ۲۰۲۱

Accepted: ۱۱ October ۲۰۲۱

KEYWORDS

Ashura poetry, elegy, epic, contemporary poetry

*Corresponding Author

raya.roozbeh@yahoo.com

(+۹۸ ۶۶) ۳۳۱۲۰۰۱

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Background and objectives: Ashura poetry has always been the strongest branch of religious poetry in different eras. Despite the fact that the issue of Ashura is suitable for design in various fields and subjects, often in this type of Persian poetry with Matmazdeh looks at repetitive and monotonous concepts, which have been influenced by various factors, including social and political conditions. In the last century, many changes have taken place in Persian poetry, although Ashura poetry in the early decades and especially in the first Pahlavi period, it was not accompanied by these changes, but gradually and cautiously, it experienced unprecedented changes. This study, while examining the content and type of attitude of poets towards Ashura themes in the three periods of the first Pahlavi, the second Pahlavi and after the Islamic Revolution, to the why and how of these developments with the focus on the movement of Ashura poetry, it has turned from elegy to epic.

METHODOLOGY: This research has been done by content analysis method and using library method in collecting information.

FINDINGS: The study and evaluation of contemporary Ashura poems shows that Ashura poetry in the first Pahlavi period was completely mourning and with a mournful look and with limited and repetitive topics. In the second Pahlavi period, while preserving the previous themes, it moves towards change in some cases, but after the revolution, Ashura poetry encounters completely new horizons and distances itself from the repetition of the past, and with an epic and authoritarian look at Extensive Ashura topics are covered

CONCLUSION: The result of this study shows that the desire to move from mourning to epic in Ashura poetry, from the forties and simultaneously with the emergence of the discourse of resistance and struggle and the spread of religious modernism, the beginning and after the Islamic Revolution to Especially with the start of the imposed war has reached its peak.

DOI: [1۰,۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲,۱۵,۷۳۹V](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.15.739V)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 ۳۲	 ۰	 ۰

مقدمه

شعر عاشورایی احساسیترین شاخه شعر دینی است که قرن‌ها ادب فارسی را تحت تأثیر خود قرار داده و پیوندی ناگسستنی با آن برقرار کرده است. «موضوع شعر عاشورا، مسائل مربوط به قیام الهی امام حسین (ع) و اخبار مبتنی بر شهادت آن حضرت از زمان حضرت آدم تا خاتم و حوادث مرتبط با این نهضت، از مکه تا کربلا و از کربلا تا مدینه و مکه است. در تعریف شعر عاشورا باید به این نکته عنایت داشت که هرچند این نوع شعر، موضوعاً مربوط به مسائل قیام حسینی و وقایع مرتبط با آن است، باید میان آثاری که صرفاً به مسائل عاطفی کربلا و ماتمی آن پرداخته‌اند، با آثار منظومی که ملهم از ارزشهای عاشورایی و مبتنی بر اهداف الهی این نهضت شگرفند، تفاوت قائل شد. بر این اساس میتوان گفت شعر عاشورایی شعری است که در مقام تبیین مقولات ارزشی این نهضت الهی است و متعهدانه حول محور مسائل زیربنایی آن حرکت میکند.» (شکوه شعر عاشورا، مجاهدی: ص ۴۸). برخی دیگر نیز از دیدگاه روشنفکرانه و براساس اهداف عاشورایی، به تعریف آن پرداخته‌اند: «شعر عاشورا نقد حکام غاصب و احیای مفاهیم زنده و زندگی‌ساز دین و نشر ارزشهای ماندگاری است که زیربنای فداکاری و جهاد و جانبازی در راه عقیده بشمار میرود. شعر عاشورا انتقال‌دهنده فرهنگ شهادت و خط حمایت از خاندان مظلوم پیامبر بوده است.» (فرهنگ عاشورا، محدثی: ص ۱۷). هرچند تعریف مجاهدی از شعر عاشورایی جامعیت ندارد، اما تحت تأثیر روح حاکم بر اشعار زمانه از حالت تک‌رویکردی فراتر رفته و به جنبه‌های دیگری از شعر عاشورایی نیز اشاره کرده است، اما تعریف محدثی با دادن نقش نقد حکام غاصب به شعر عاشورایی، خلأ رویکرد حماسی را، که بخش اصلی کار این پژوهش است، نیز پوشش داده و تعریف جامعتری ارائه داده است.

شعر عاشورایی از قرن چهارم با مرثیه کسایی، بعنوان شاخه‌ای از شعر دینی، مطرح شد و در مسیر خود تا به امروز تحولات گوناگونی را تحت تأثیر عوامل مختلف تجربه کرده، که بر این اساس به دوره‌های مختلفی تقسیم شده است:

۱- عصر اول: دوره پیش از صفویه (قرن چهارم تا پایان قرن نهم)؛

۲- عصر دوم: دوره صفویه (قرن دهم و یازدهم)؛

۳- عصر سوم: دوره پس از صفویه تا پایان قاجاریه (قرن دوازدهم و سیزدهم)؛

۴- عصر چهارم: دوره معاصر (از سال ۱۳۰۰ تا امروز) (شرح منظومه طهر، کافی: ص ۳۶).

در عصر اول، شاعران حرکتی محتاطانه و در چارچوبی مشخص و محدود داشتند و شعر عاشورایی شعری یکنواخت، خالی از نوآوری، حول محور سوگ و فاقد هرگونه پیام ارزشی بود. در این پنج قرن، شعر عاشورایی «با تغییر قابل ملاحظه‌ای روبرو نشد و شعر آیینی و دوستدار آل‌الله، به تجربه‌های موفق و ماندگاری نائل نیامدند، که علت آن را میتوان در تقلید سبک شعری و تکرار مضامین شعرای متقدم و عدم عنایت جدی به مفاهیم ارزشی دانست» (شکوه شعر عاشورا، مجاهدی: ص ۱۵۵).

عصر دوم از نظر کمی و کیفی، از درخشانترین دوره‌های شعر عاشورایی است. در این دوره که حکام صفوی، حامیان جدی مذهب تشیع و شعر دینی بودند، شعر عاشورایی رونق چشمگیری یافت و شاعران بسیاری به این وادی گام نهادند، اما شعر آنان با وجود حجم بسیار، از نظر نگاه و محتوا، تفاوت چندانی با پیشینیان خود ندارد؛ جز اینکه نگاه حزن‌آلود و ماتمزده، جلوه بارزتری به خود گرفته است. در عصر سوم، ابتدا بعلاوه حمایت حاکمان از شعر و ادب، شعر عاشورایی رو به افول و رکود رفت اما توجه و حمایت حاکمان قاجاری به شعر مذهبی، موجب اقبال به این شاخه از شعر دینی شد، همچنین تحت تأثیر ترجمه‌ها، ارتباط با غرب و دگرگونی ساختارهای سیاسی

و اجتماعی، نگاه به فرهنگ عاشورا نیز دگرگون شد؛ بگونه‌ای که «در این دوره از دو منظر حماسی و عرفانی به آن [عاشورا] نگاه میشد. قرائت حماسی و اساطیری عاشورا سبب پدید آمدن چند منظومه حماسی نظیر آثار ملک‌الشعرای صبا و سروش اصفهانی شد و نگاه عرفانی به موضوع یا برداشت عرفانی-حماسی، مجموعه‌های دل‌انگیز و مورد قبولی نظیر آتشکده نیر، زبده‌الاسرار صفی‌علیشاه و گنجینه‌الاسرار عمان سامانی را بوجود آورد» (شرح منظومه ظهیر، کافی: ص ۴۴۶). اما این تغییرات ناکافی دیرزمانی به طول نینجامید و شاعران با تبعیت از فضای کلی حاکم بر جامعه، تنها به موضوعات محدود و تکراری، با محوریت سوزوگداز پرداختند. تنها نوآوری در شعر عاشورایی این دوره، سرودن نوحه یعنی اشعار مخصوص سینه‌زنی در قالب جدید مستزاد، توسط یغمای جندقی است که آری‌پور از او با عنوان روشنفکر زمان خود یاد کرده است (از صبا تا نیما، آری‌پور، ج ۱: ص ۱۱۷). قالب نوحه با نام یغمای جندقی شناخته میشود، چراکه «با ظهور یغما، نوحه‌های عاشورایی با قالب‌های نوینی عرضه شد و باعث تحول ساختاری نوحه‌های عاشورایی گردید. از طرف دیگر بدلیل پرهیز از بکارگیری الفاظ و ترکیبات ذلت‌بار، بتدریج تغییراتی در جنبه‌های محتوایی آنها نیز بوجود آمد. افزون‌بر قالب مستزاد، یغما با تضمین از غزلیات سعدی و حافظ در حوزه نوحه‌های عاشورایی، راهگشای نوحه‌سرایان حسینی نیز بود» (شکوه شعر عاشورا، مجاهدی: ص ۴۵۹).

با وجود اینکه قیام امام (ع) در آن شرایط خفقان‌آلود، بیانگر شجاعتی مثال‌زدنی و خلق حماسه‌ای بزرگ بود که در آن برهه تاریخی بنمایش گذاشته شد، این نکته در شعر شاعران متقدم تا اواسط دوره پهلوی دوم مغفول مانده بود و پس از این زمان است که رگه‌هایی از حماسه در شعر عاشورایی آشکار شد و بعد از انقلاب اسلامی گسترش چشمگیر یافت و بعنوان یکی از رویکردهای مهم شعر عاشورایی انقلاب، دربرابر مرثیه و در کنار دیگر رویکردهای نوظهور شعر عاشورایی از جمله رویکرد تبلیغی، رویکرد عرفانی، رویکرد هنری، رویکرد جامعه‌گرا و... بنمایش گذاشته شد.

بررسی و مقایسه شعر عاشورایی در دوره‌های سه‌گانه پهلوی اول، پهلوی دوم و انقلاب اسلامی از نظر اندیشه، شیوه‌های بیان و بسامد واژه‌های خاص و چگونگی برخورد با موضوعات مشترک، برای نمایان شدن محتوا و نوع نگاه و نیز چرایی و چگونگی تغییر و تحولات و فاصله گرفتن از فضای ایستا و تکراری، در دوره‌های مورد بررسی، ضرورتی است که در این پژوهش، با بررسی اشعار چهل و یک شاعر از دوره‌های پهلوی اول، پهلوی دوم و انقلاب اسلامی، تلاش شد در قالب پرسشهای زیر به آنها پاسخ داده شود:

۱- حرکت از مرثیه بسمت حماسه در شعر عاشورایی قرن معاصر، تحت تأثیر چه عواملی بوده است؟

۲- اشتراکات و تمایزات محتوایی شعر عاشورایی قرن معاصر با گذشته در چیست؟

لازم به یادآوری است که برخی از شاعران موردبررسی این پژوهش در چند دوره مختلف به شاعری پرداخته، که به دو دسته تقسیم میشوند: دسته اول شاعرانی هستند که شعر آنان یکنواخت و فاقد تغییر و تحولات چشمگیر محتوایی و نوع بیان است؛ بهمین دلیل از اشعار این شاعران در دوره متناسب استفاده کرده‌ایم. دسته دوم شاعرانی هستند که شعر آنان تحت تأثیر تحولات جامعه قرار گرفته و در هر دوره محتوا و نگاه متفاوتی را ارائه داده‌اند و مشخصات هر دوره نیز در شعرشان نمود دارد. در استفاده از اشعار این شاعران و در مواردی که تاریخ سرایش مشخص نیست، از نزدیکان شاعر و با استفاده از دستنوشته‌های وی و نهایتاً براساس سبک و ویژگیهای شعری و نیز مقایسه با اشعار دارای تاریخ شاعر، کمک گرفته و آن را در دوره متناسب مورد بررسی قرار داده‌ایم. با توجه به اینکه هدف از این پژوهش، بررسی سیر تحول شعر عاشورایی از مرثیه به حماسه است، بدیهی است به سایر

رویکردهای نوظهور شعر عاشورایی اواخر پهلوی دوم و انقلاب اسلامی بصورت مجزا پرداخته نشده و تنها بصورت کلی و بعنوان پیوند مرثیه و حماسه و نیز نشان دادن چگونگی سیر تحول به آنها اشاره شده است.

سابقه پژوهش

پیرامون شعر عاشورایی پژوهشهای بسیاری انجام شده است که از آن جمله میتوان به موارد زیر اشاره کرد: شکوه شعر عاشورا در زبان فارسی از محمدعلی مجاهدی (۱۳۷۹) که نویسنده از پیشینه شعر عاشورایی در زبان فارسی و عوامل تأثیرگذار در تطور آن بحث کرده است. غلامرضا کافی (۱۳۸۶) در کتاب شرح منظومه ظهر به نقد و تحلیل شعر عاشورایی از آغاز تا روزگار معاصر پرداخته است. عبدالحمید ضیایی (۱۳۸۱) در کتاب نگرشی انتقادی-تاریخی به ادبیات عاشورا، به بررسی انتقادی انعکاس واقعه عاشورا و آسیب‌شناسی تحریفات آن در شعر فارسی پرداخته است. جواد هاشمی و میثم کریمی (۱۳۸۹) در کتاب جرس فریاد میدارد به گزینش هفتصد و بیست غزل عاشورایی از دویست شاعر متقدم و متأخر و نیز در کتاب که بریندید محملها به جمع‌آوری سیصد و هفتاد و سه مثنوی عاشورایی پرداخته و چهره رنگارنگی از شعر عاشورایی بنمایش گذاشته‌اند. مرضیه محمدزاده کتاب دانشنامه شعر عاشورایی را که مشتمل بر ادبیات شیعه، عقاید و احساسات و جهتگیری شاعران عرب و پارسی‌گوی در طول تاریخ بویژه بر محور واقعه کربلاست، نوشته است. مقاله «بررسی شعر عاشورایی در لرستان» از علی نوری و احسان حیدری جمشیدی (۱۳۹۴) که در آن نویسندگان به بررسی جلوه‌های شعر عاشورایی در اشعار فارسی لرستان از آغاز تا پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. و نیز کتاب عاشورا در آیین شعر معاصر از نرگس انصاری (۱۳۸۹) که نویسنده به بررسی، تحلیل و مقایسه شعر عاشورایی فارسی و عربی پرداخته است. با وجود اینکه پژوهشهای گسترده‌ای پیرامون شعر عاشورایی معاصر صورت گرفته، اما در زمینه سیر تحول شعر عاشورایی از مرثیه به حماسه، پژوهش مستقلی انجام نشده است.

بحث و بررسی

شعر عاشورایی در دوره پهلوی اول

رضاشاه پس از به قدرت رسیدن، ابتدا بظاهر خود را حامی دین و مذهب نشان داد و از این طریق در پی کسب پشتوانه جامعه دینی ایران برآمد، اما با استوار کردن پایه‌های حکومت، نظام استبدادی مطلقه‌ای بوجود آورد و با ایجاد اختناق شدید در کشور، به تعطیلی کشاندن هیئات مذهبی و سختگیری بر ادبیات و مظاهر دینی، دشمنی خود را با دین عیان کرد. از آنجاکه از برجسته‌ترین وجوه واقعه عاشورا، حماسه، ظلم‌ستیزی، روشنگری، عدالت و برابری است، حکام جور بمنظور جلوگیری از آگاهی مردم، شرایط سختگیرانه‌ای را علیه شعر عاشورایی بکار میبردند و از این طریق، درصدد حذف شعر دینی بودند تا حکومت ظلم آنان از جانب جامعه دینی در امان بماند. بهمین دلیل بود که در این دوره، شعر عاشورایی به حاشیه رفت و جز نظر به اسلوب قدما و بیان مضامین محدود و تکراری، نشانی از میل به تحول در آن وجود نداشت.

عمده موضوعات شعر عاشورایی دوره پهلوی اول با بررسی اشعار ساکت اصفهانی، حسین مسرور، صغیر اصفهانی، همایی، آتش اصفهانی، بهار، آذر حقیقی و صبوری اصفهانی:^۱

^۱ از آقای جواد هاشمی بخاطر معرفی تاریخ سرایش برخی از اشعار تشکر میکنم.

توصیف عاطفی و شاعرانه واقعه: غلبه و سیطره اندیشه تقابل سنت به معنای گفتار، کردار و تقریر معصومان (ع) با تجدد و نوآوری که نوعی بدعت بشمار می‌آمد و نیز تقدس موضوعات مربوط به عاشورا بر فضای فکری جامعه سنتی این دوره، باعث شد که شاعر بگونه‌ای امانت‌دارانه به وصف صحنه‌های کربلا براساس روایات تاریخی و با نگاهی ماتمزده و منفعلانه بپردازد. استفاده از واژگان و ترکیبات ترحم‌برانگیز، ذلت‌بار و تداعی‌گر مظلومیت، همچون آتش، خیمه، نی، سه شعبه، فغان، خسته‌حال، غرق خون، بی‌یاور و طفل، نشانگر توصیفی عاطفی، همراه با نمایش مصائب، برای برانگیختن احساسات و گریاندن مخاطب در شعر عاشورایی این دوره بسامد بالایی دارد و آن را از جنبه محتوایی در سطح مرثیه نگاه داشته است:

شور قیامت به جهان شد پدید	قامت خورشید به یک نی رسید
آتش کین شعله برافروخته	خیمگی و خیمه به هم سوخته
	(کاروان شعر عاشورا، مجاهدی، به نقل از صبوری
	اصفهانی: ص ۴۹۷)

وصف درماندگیها، مصائب و صحنه‌های غمبار شهادت و نمایش مظلومیت حسینیان (ع) از ویژگیهای مهم شعر عاشورایی این دوره است که تحت تأثیر همین فضا سروده شده است:

سر حسین چو در مجلس شراب رسید	فغان اهل حریمش به آفتاب رسید...
برآر سر ز نجف ای شه ولایت و بین	چها بر آل تو در کوفه خراب رسید...
چنان علامت محشر به ظهر عاشورا	پدید شد که به یک نیزه آفتاب رسید
	(دیوان آتش اصفهانی: ص ۴۶)

شاعر با توصیف صحنه‌های شهادت علی‌اکبر (ع) و تنها و بی‌یاور ماندن امام (ع)، در پی نشان دادن اوج مظلومیت و درماندگی حسینیان است و با استفاده از استفهام انکاری، مخاطب را به شگفتی از عظمت مصیبت وامیدارد:

بر زمین شیرازه ام‌الکتاب افتاده است	یا که شبه احمد از پشت عقاب افتاده است؟
این علی‌اکبر است افتاده در دریای خون	یا که عکس ماه غرق خون در آب افتاده است؟
	(کاروان شعر عاشورا، مجاهدی، به نقل از آذر
	حقیقی: ص ۵۲۸)

دید چون زینب به دشت کربلا	مانده بی‌یاور حسینش از جفا
کرد بهر یاریش آن ممتحن	هر دو طفل خویش را در بر کفن
	(دیوان صغیر اصفهانی: ص ۱۶۵)

لعن و نفرین یزیدیان: نهادینه بودن اندیشه سنتی ظل‌اللّهی پادشاهان، هرچند با وقوع انقلاب مشروطه اعتبار خود را ازدست داد، همچنان در جامعه سنت‌زده پهلوی اول، جایگاه ویژه‌ای داشت. بگونه‌ای که شاعر نمیتوانست قیام عاشورا را قیامی علیه ظلم و بی‌عدالتی بر ضد همه حکام ستمگر تعمیم دهد، همچنین رعب و وحشت حاکم بر جامعه، مانع از اعتراض صریح میشد. به همین دلیل، نهایت خروج از انفعال و جهتگیری شاعر عاشورایی این دوره، لعن و نفرین و ذکر صفات مذموم یزیدیان بود:

مگر ز شعله‌نوازیت ای سپهر بکاهد	اگر یزید لعین مالک‌الرقاب نباشد
	(دیوان آتش اصفهانی: ص ۶۵)

یکی نبود که گوید به ابن سعد لعین به پاره پاره تن شاه دین، تو اسب متاز
(دیوان ساکت اصفهانی: ۴۲۳)

تسلیم قضا و قدر بودن و گلایه از چرخ و رواج انفعال

پذیرش اندیشه ظل‌اللهی بودن حکمرانی در نزد مردم، شرایط را برای توجیه هرگونه رفتار از سوی حکومت فراهم میکرد، همچنین نهادینه شدن احساس رخوت و تسلیم در برابر روزگار و عدم تحرک و پویایی برای بازیابی جایگاه انسانی از دست‌رفته، در بخش عظیمی از جامعه، سبب شد شاعران عاشورایی نیز تحت تأثیر همین فضا، میل به تسلیم، درماندگی، حقارت و انفعال در برابر خباثتها و خیانتها را بنمایش بگذارند. نسبت دادن واقعه به قضا و قدر، عقل نخست و فلک، برای توجیه انفعال، عدم مسئولیت‌پذیری و موضع‌گیری از ویژگیهای بارز شعر عاشورایی این دوره است:

آن عترتی که محرم ایشان ملک نبود حاضر به بزم آل زنا کردی ای فلک!
(دیوان صغیر اصفهانی: ص ۱۸۲)
شهادت ارچه سرانجام کار او شد لیک همین نتیجه عهد ازل بدش ز آغاز
(دیوان ساکت اصفهانی: ۴۲۳)

شاعر این دوره بجز گلایه از چرخ، ناله سردادن و رواج انفعال، هیچگونه موضع مؤثری در برخورد با موضوعات عاشورایی ندارد:

ویران شوی که ترک وفا کردی ای فلک بیرون ز حد خویش جفا کردی ای فلک
هرچند ظلم و جور و عداوت که داشتی ظاهر به حق آل عبا کردی ای فلک
متفق گشتند از بهر هلاکش با یزید (دیوان صغیر اصفهانی: ص ۱۸۲)
آسمان تا کشتزار عمر او را بدرود ساخت هنگام محرم از هلال ماه، داس
(دیوان آتش اصفهانی: ص ۲۷)

توسل و مددخواهی: یکی از رویکردهای مهم شعر عاشورایی این دوره، توسل و مددخواهی است که شاعر براساس بنیادهای فکری شیعی که توسل به ولی خدا را جایز میدانند و با توجه به مقام معنوی والای ولی و واسطه فیض بودن وی به آن میپردازد:

ما همه در عهد و وفای توایم منتظر دست و دعای توایم
عهد تو بسته است وفایی بکن دست تو باز است دعایی بکن
(کاروان شعر عاشورا، مجاهدی، به نقل از صبوری اصفهانی: ص ۴۹۸)

تشنه لب کشته شد آن شاه که با خنجر و تیر گشت بریده و شد دوخته بر تن کفنش
آنکه باشد نظرش داروی هر درد سنا چشم دارم که فتد گوشه چشمی به منش^۱
(دیوان همایی: ص ۸۳)

کنون صغیر به فضل تو التجا دارد که تا به باب تو گیرد حوائج از داور
(دیوان صغیر اصفهانی: ص ۱۵)

^۱ - در ماه محرم سال ۱۳۴۷ هجری قمری سروده شده است.

مدح و ستایش: پیوند تنگاتنگ واقعه عاشورا با مرثیه باعث شد که حتی در مدح و منقبت که ویژگی همیشگی

شعر عاشورایی بوده نیز نگاه شاعر، با استفاده از ذکر صحنه‌های مصیبت‌بار حادثه، گرایشی ماتمی داشته باشد:

بتاب امشب ای مه که افلاکیان بینند جانبازی خاکیان
مگر نوح بیند کزین موج خون چسان کشتی آورد باید برون
(کاروان شعر عاشورا، مجاهدی، به نقل از مسرور:
ص ۵۹۷)

گشت خاکسترنشین رأس منیرش در تنور آنکه خورشید از ضمیرش نور میکرد اقتباس
عاقبت بیپرده شد از دست ظلم کوفیان آنکه کردی از نقابش کوهی، دست قیاس
گشت پامال ستور آن تن که بودی آسمان در بر چرخ جلالش کمتر از موری به طاس
(دیوان آتش اصفهانی: ص ۲۷)

شاعر عاشورایی این دوره با استفاده از ذکر نسب برای تفاخر بیشتر، ذکر مقام والای معنوی و فداکاری در راه دین و پیوند آنها با مرثیه، به مدح میپردازد:

خامس آل عبا، سبط دوم، قطب سوم آن سپهری که فلک بنده نه اختر اوست
گشت در بزم ازل فانی فی‌الله ز آن رو تا ابد سرخ ز صهبای فنا ساغر اوست
در ره دین ز برادر بگذشت و ز پسر شاهد واقعه، عباس و علی‌اکبر اوست
(دیوان بهار: ص ۱۶۱)

مرثیه: تقلید صرف شاعران عاشورایی دوره پهلوی اول از گذشتگان، تأثیرپذیری از فضای جامعه حزن‌آلود و خفقان‌زده، وحشت حکومت از اشعار حماسی و روشنگرانه عاشورایی و نیز بازگشت حکومت به سنت، فرهنگ و ادب ایران باستان که آمیخته با اسطوره است و مظلومیت که در بین ایرانیان ریشه‌ای اسطوره‌ای دارد، باعث شد عمده اشعار عاشورایی این دوره با نگاهی ماتمزده بیان شود.

سخن از مصیبت، زخم، عطش، طفل بی‌شیر و کودکان تشنه، از مضامین و اصطلاحات رایج شعر عاشورایی این دوره برای ارائه مرثیه است:

خون خورم در غم آن طفل، که جای لب‌نش خون خورم در غم آن طفل، که جای لب‌نش
کودکی کاب ز سرچشمه وحدت میخورد کودکی کاب ز سرچشمه وحدت میخورد
(دیوان همایی: ص ۸۲)

هزار چشمه ز چشمان کودکان جاریست کجا تو با لب عطشان روی که آب آری؟...
جراحی که ز هر ضربه بر تو وارد شد مگر تو در قلم آری و خود تو بشماری
کجا شمرده شود زخمهای آن جسدی که از زمین نتوانی درست برداری؟
(کاروان شعر عاشورا، مجاهدی، به نقل از سیوری
اصفهانی: صص ۴۹۹-۴۹۸)

بطور کلی، فراوانی استفاده از واژه‌ها و ترکیبات محدود و تداعی‌کننده مظلومیت در این دوره باعث شد که مرثیه، عنصر غالب شعر عاشورایی این دوره باشد. عدم توجه به نقش بی‌بدیل حضرت زینب (س) در واقعه عاشورا، وصف نهایت عجز و ناتوانی و مستحق دلسوزی و ترحم دانستن وی در کنار ذکر مقام والای معنوی، با نگاهی ماتمزده و حزن‌آلود از مهمترین ویژگیهای شعر زینبی این دوره است که بعلاوه تکرار مضامین شعر زینبی و نیز نگاه فرهنگی

تحقیرآمیز به زنان، بر شعر عاشورایی این دوره سایه افکنده است. استفاده از فراخوانی سخنان مصیبت‌بار، از شیوه‌های رایج ارائه تصویری ضعیف و ناتوان از حضرت زینب (س) در شعر عاشورایی این دوره است:

ای اهل کوفه ما همه آل پیمبریم
از نسل پاک فاطمه وز صلب حیدریم
ما بی‌کسبان عزیز خداییم که اینچنین
از جور چرخ نزد شما خوار و مضطربیم...
(دیوان صغیر اصفهانی: ص ۱۹۳)

به زیر تیغ و این آخرین پیام من است
عزیز فاطمه سوی تو این پیام من است
(کاروان شعر عاشورا، مجاهدی، به نقل از آذر
حقیقی: ص ۵۲۷)

شعر عاشورایی در دوره پهلوی دوم

با روی کار آمدن محمدرضا پهلوی و اجرای قانون مشروطه، فضای اختناق آلود رضاشاهی، تا حد زیادی برطرف شد و شاعران عاشورایی و هیئات مذهبی مجال فراختری یافتند. او برای مشروعیت بخشیدن به جایگاه خود، با دادن آزادیهای نسبی مذهبی، در پی جلب رضایت جامعه دینی ایران برآمد. با ایجاد فضای تازه در جامعه و برپایی پرشور مجالس عزاداری، شاعران نیز با توجه به نیازهای جامعه، به سرودن مراثی روی آوردند و شعر عاشورایی را آکنده از مفاهیم ماثمی و سوزوگداز کردند. همچنین آشفستگی و نابسامانیهای سیاسی در ابتدای این دوره، شرایط را برای دخالت و سختگیری علیه دین و شعر دینی، تحت تأثیر قرار داد و به همین دلیل، شعر و شاعران عاشورایی رشد چشمگیری یافتند، اما میل به تحول در اغما بود، تا اینکه با وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و ایجاد فضای بسته سیاسی، اشعار شاعران تحت تأثیر شرایط بوجود آمده به شعری: «عصیانی، خودشکنانه، شهوت‌آلود و عموماً سیاه تبدیل شد، اشعاری سرکشانه و احساساتی که غبن و انتقام‌جویی از خود و جامعه و زندگی و حکومت و سیاست، در آن نقش میزد.» (تاریخ تحلیلی شعر نو، لنگرودی، ج ۴: ص ۲). از این رهیافت، شعر عاشورایی نیز بسمت تغییر و تحول گرایش نشان داد. هرچند بعد از کودتای ۲۸ مرداد، نشانه‌های میل به تحول در شعر عاشورایی آشکار شد، اما میل جدی به آن، از سال ۱۳۴۲ ه.ش و همزمان با دستگیری امام خمینی (ره)، دعوت علما و روحانیون به قیام علیه ظلم، شروع قیامهای مردمی و آشکار شدن بارقه‌های انقلاب و نیز ظهور گفتمان مقاومت و مبارزه، نمایان شد. شاعران نیز با تأثیرپذیری از این فضا، گامهای محتاطانه‌ای بسمت تحول در شعر عاشورایی برداشتند. گرچه تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، نگاه غالب بر شعر عاشورایی، نگاهی ماتمزده و از سر عجز و ناتوانی و برای برانگیختن حس ترحم و دلسوزی بود، اما با ایجاد این شرایط، بارقه‌های خروج از رکود و ایستایی و میل به فاصله گرفتن از اسلوب قدما، آشکار و همین سرآغاز تحولات عظیم در شعر عاشورایی بعد از انقلاب شد. در این دوره از اشعار شاعرانی چون شهریار، شاهرخی، غفورزاده، چایچیان، مؤید خراسانی، صغیر اصفهانی، سبزواری، پژمان، ریاضی یزدی، خوشدل تهرانی، امیری فیروزکوهی، سازگار، رسا و عبدالعلی نگارنده استفاده شده است.

مرثیه در شعر عاشورایی دوره پهلوی دوم

بر پایه شروع تحولات در شعر عاشورایی این دوره، مراثی به چند دسته تقسیم میشوند:

۱- مراثی تمام‌عیار: اندیشه سنت‌گرای مذهبی بسیاری از شاعران این دوره، عمومیت باورها و سنتهای کهنه دینی و فرهنگی در جامعه و نیز اشتغال بسیاری از نوحه‌سرایان به سرودن شعر عاشورایی برای برپایی پرشور مجالس عزاداری، موجب شد شاخه‌ای از مرثیه بدون تغییر و با استفاده از همان واژه‌ها و ترکیبات محدود و شیوه بیان

تکراری ارائه شود. در اشعار زیر شاعر با ذکر مصیبت با بیانی ماتمی، به مرثیه و نوحه‌سرایی پرداخته است. تشنگی، آب، درماندگی، گرمای سوزان و ترکیبات و واژه‌های بیانگر مظلومیت و دعوت به گریه از مهمترین شاخصه‌های اشعار این دوره است:

محرم آمد و نو کرد درد و داغ حسین هنوز ساقی عطشان کربلا گویی	گریست ابر خزان هم به باغ و راغ حسین... کنار علقمه افتاده با ایاغ حسین (دیوان شهریار، ج ۱: ص ۳۶۵)
ای دل بنال زار که جان تفته از غم است	ای دیده خون ببار که هنگام ماتم است (کاروان شعر عاشورا، مجاهدی، به نقل از شاهرخی: ص ۶۰۴)
ای پیکر شریف تو صدپاره روی خاک پرچم به دوش قافله نینوا شده است	ماتم، که جای بوسه زینب کجای توست زینب که سایه‌پرور مهر و وفای توست ^۱ (سلام بر حسین، غفورزاده شفق: ص ۶۷)
دوست دارم اشک ریزم تا مگر از اشک چشمم دوست دارم کام عطشان تو را سیراب سازم	تو شوی سیراب و من خود، جای آن لبها بسوزم گرچه خود از تشنه‌کامی بر لب دریا بسوزم ^۲ (دیوان چایچیان: ص ۲۰۳)

۲- مرثیه مدحی: در اواخر این دوره، مرثیه با مدح و ستایش پیوند خورد و این شیوه، قدم محتاطانه‌ای در راستای گذر از مرثیه صرف در شعر عاشورایی است که در تقلیل سوزوگداز آن مؤثر بود. شاعر اگر از واژه‌ها و ترکیبات رثایی نوک سنان، مطبخ، خاک سیه، خاک تنور، گل خونین، خرابه، ظلمت شب و پریشانی حرف میزند، در کنار آنها نیز از واژه‌ها و ترکیبات افتخارآمیز و صفات رشک‌برانگیزی همچون زیب آغوش نبی، شمع و نیز اشاره به ارتباط نسبی با پیامبر (ص) و امام علی (ع) برای ذکر تفاخر و فاصله گرفتن از مرثیه صرف، بهره میبرد:

زیب آغوش نبی، نوک سنان جای تو نیست بی‌حیا آنکه نهادت بروی خاک تنور	مطبخ و خاک سیه، منزل و مأوای تو نیست عرش را مرتبه خاک کف پای تو نیست (دیوان صغیر اصفهانی: ص ۱۹۲)
مصطفی گلبوسه بر آن لاله زد مرتضی خندان به چهرش بنگریست	ز آتش شوقش به لب تبخاله زد کاین گل خونین محراب علیست (سرود درد، سبزواری: ص ۳۶۴)
ناموس خدا زینب، در ظلمت شب، گویی	شمعیست که گرد او، جمعدند پریشانها (دیوان رسا: ص ۳۱۶)

اسکان کاروان أسرا در میان خرابه‌های شام یادآور رنجهایی است که بر آنان رفت، اما شاعر در کنار آن، از صفا بخشیدن به آن خرابه‌ها با اشاره به مقام معنوی حضرت (س)، سعی در کمرنگ کردن مرثیه دارد:

جهان و دور زمانش، خرابه‌ها دیده است	خرابه‌ای و جهانی صفا، کجا دیده است؟! (سفینه‌های نور، موید: ص ۱۲۵)
-------------------------------------	--

^۱. در سال ۱۳۵۰ هجری شمسی سروده شده است.

^۲. انتخاب از دیوان شعری شاعر چاپ سال ۱۳۴۸ شمسی

۳- مرثی حماسی: با شروع تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه در اواخر این دوره، نفوذ روشنگریهای دینی و قرائتهای حماسی اندیشمندانی چون شهید مطهری و علی شریعتی از واقعه و رواج آن در جامعه و نیز ظهور گفتمان مبارزه و مقاومت، مرثیه نیز رنگ و بوی حماسی و معرفتگرایانه به خود گرفت و شاعر در ضمن مرثیه، به حماسه، ذکر اهداف واقعه، روشنگری و جهتگیری پرداخت. بنابراین در این گونه از مرثی، نگاه ماتمزده در کنار نگاه حماسی و اقتدارگرایانه تا حدی رنگ باخت و به حاشیه رفت. شاعر در کنار ذکر مرثیه، با استفاده از واژه‌های اقتدارآمیز و لحن حماسی، به ذکر اقتدار و حماسه پرداخته است:

بگرفت از نیام شمشیرش را / چون شیری ژیان به هیجا آمد
یارانش به خاک چون افتادند / با لشکر به رزم، تنها آمد^۱
(دیوان نگارنده: ص ۲۴۱)

برهم‌زن اساس جفاکاری یزید / لحن بلیغ و نطق درخشان زینب است
افزون بود ز حوصله خلق عالمی / درد و غمی که در دل سوزان زینب است
(دیوان صغیر اصفهانی: ص ۱۹۴)

از سفر داغ‌دیده آمده‌ام / دل ز هستی بریده آمده‌ام
دیده‌ام یک چمن گل پرپر / خار در دل خلیده آمده‌ام...
تار پود ستم، به تیغ سخن / با شهامت دریده آمده‌ام
پی محو ستم اگر رفتم / با همان عزم و ایده آمده‌ام^۲
(سلام بر حسین، غفورزاده: ص ۲۱۷)

۴- مدح: تحولات ادبی در جوامع، متأثر از تحولات اجتماعی و سیاسی است. بنابراین شاخه مدح شعر عاشورایی در دوره پهلوی دوم، تحت تأثیر همین عوامل، پذیرای تحولاتی در محتوا و شیوه ارائه شد و شاعر در آن با نگاه اقتدارآمیز به ذکر مقام والای حسینیان (ع)، تقدیس شهادت و شهادت‌طلبی و تقدیس عدالت‌گستری و ظلم‌ستیزی میپردازد که نشان از گرایش به اقتدار و روشنگری دارد، درحالی‌که در دوره پهلوی اول، شاعر در مدح، با ذکر کردن نسب برای تفاخر بیشتر و همچنین ذکر مقام معنوی امام (ع) و یارانش به توسل و مددخواهی و مرثیه‌سرایی میپرداخت. در این دوره شاعر از زاویه حماسه به مدح میپردازد و با اشاره به ارتباط نسبی امام حسین (ع) با امام علی (ع) که خود نماد شجاعت و حماسه است، تشبیه او به شیر، پیروز دانستن وی، نابودکننده کفر و برافرازننده پرچم اسلام، مقدمه ورود به اوج نگاه حماسی بعد از انقلاب اسلامی را فراهم میکند:

این ماه، ماه ماتم سبط پیمبر است / یا ماه سربلندی فرزند حیدر است
شیراوونی که بر تن و فرق مبارکش / از زخم تیر جوشن و از تیغ مغفر است
آن کو نهال دین محمد ز خون او / سیراب گشت و سایه‌فکن گشت و برورست
در ظاهر ار شکسته شد آن شیر دال، منال / کز آن شکست، باده فتحش به ساغر است
(کاروان شعر عاشورا، مجاهدی، به نقل از پژمان بختیاری: ص ۵۵۸)

^۱. در سال ۱۳۴۵ شمسی سروده شده است.

^۲. در سال ۱۳۵۶ شمسی سروده شده است.

ای علم کفر نگون ساخته
مکتب تو مکتب عشق و وفاست
مکتب جانبازی و سربازی است
پرچم اسلام
درس الفبای تو صدق و صفاست
بی‌سری آنگاه سرافرازی است
(دیوان ریاضی: ص ۳۴۳)

تأثیر اندیشه‌های نوین دینی و آمادگی روحی جامعه برای پذیرش اهداف قیام عاشورا باعث شد تا شاعران در اواخر دوره پهلوی، در کنار مدح و ستایش و مرثیه، به ذکر اهداف واقعه، روشنگری، جهتگیری و جهت‌دهی افکار عمومی نیز توجه کنند و بصورت غیرمستقیم، مردم را علیه ظلم و ظالم برانگیزانند و به قیام تشویق کنند:

بزرگ فلسفه نهضت حسین این است
حسین مظهر آزادگی و آزادیست
همین نه گریه بر آن شاه تشنه لب کافیسست
بین که مقصد عالی نهضت او چیست
که مرگ سرخ، به از زندگی ننگین است
خوشا کسی که چنینش مرام و آئین است...
اگرچه گریه بر آلام قلب تسکین است
که درک آن سبب عز و جاه و تمکین است
(دیوان خوشدل تهرانی: ص ۷۴۵)

اشاره به فلسفه عاشورا، تقدیس شهادت و تقبیح زندگی ننگین و نیز استفاده از واژه‌های عدل و آزادی، نشان از فاصله گرفتن از مرثیه، توجه به ارزشهای عاشورایی و آغاز مرحله تازه‌ای در این نوع از شعر دینی دارد که تا پیش از این سابقه نداشت:

در راه دین ز پیکر خود ساخت شمع راه
افراشت بیرق از سر خود در طریق عدل
بر خوان سرگشاده آزادی از خدای
تا رهن دغل نشود رهنمای غیر
تا کس طریق ظلم نپوید به پای غیر
داد از سر بریده به هر رگ صلائی غیر
(دیوان، امیری فیروزکوهی، ج ۲: ص ۱۰۸۳)

اشعار زینبی نیز در پایان این دوره، برخلاف اشعار زینبی ذلت‌بار و سوگوارانه پیش از این، با انعکاس و تبعیت از تحولات جامعه، به ذکر مقام معنوی والای حضرت (س) و ذکر اهداف همراه با روشنگری و اقتدار پرداخته است:

فشردۀ سخن دختر علی این است
که بار ظلم کشیدن خلاف آیین است
(دیوان خوشدل تهرانی: ص ۷۳۹)

از سکوتی که ز فریاد تو در کوفه فتاد
جمیل دیدن سیل بلا به دیده او
تویی که خطبه شامت، یزید را لرزاند
تویی که هر نفسست خطابه‌ای پرشور
از چهره تابانش، افروخته محفلها
منعکس شد اثر معجزه فرمات
(پلک صبوری، بابامیری، به نقل از موید: ص ۴۳)
گواه فوق جلالش ز مریم عذراست...
تویی که شام ز نطقت به خصم شام عزاست
تویی که هر قدمت یک قیام عاشوراست
(همان، به نقل از سازگار: صص ۳۳-۳۵)
وز خطبه جانسوزش انگیخته طوفانها
(دیوان، رسا: ص ۳۱۶)

شعر عاشورایی انقلاب

با پیروزی انقلاب اسلامی و روی کار آمدن یک حکومت دینی حامی شعر و ادب، تحرکی نو در اراده‌ها برای تغییر و تحول آفریده شد و از این رهگذر، شعر عاشورایی نیز با گشوده شدن افقهای تازه بر روی بسیاری از مضامین و

همچنین خلق مضامین نو و گذر از سطحی‌نگری، تحولات بی‌سابقه‌ای را تجربه کرد. با وقوع جنگ تحمیلی و ایجاد فضای حماسی در جامعه و نیز گسترش و تأکید بر گفتمان مقاومت و مبارزه، شعر عاشورایی با حماسه پیوندی مستحکم خورد و اوج اشعار حماسی عاشورایی در این برهه زمانی خلق شد. علاوه بر این شعر عاشورایی تحت تأثیر اندیشه‌های نو و نو اندیشی‌های دینی و اهداف حاکم بر نظام جدید، قرار گرفت و وارد مرحله تازه‌ای شد. بر این اساس، شاعر انقلاب با نگرشی نو به واقعه عاشورا و تطبیق مسائل عاشورایی با موضوعات روز جامعه و بیان اهداف حسینی، سعی در جهت‌گیریهای موردنظر خود و همسو با اهداف انقلاب اسلامی، از جمله تهییج احساسات برای قیام علیه ظلم و ظالم، عدالت‌طلبی و عدالت‌گستری، فداکاری در راه دین و وطن و ترویج و تقدیس روحیه شهادت و شهادت‌طلبی و نیز فرازمان و فرامکان نشان دادن موضوعات عاشورایی برای پیوند زدن این موضوعات با مسائل روز جهان اسلام، بویژه مسائل جامعه ایران و فلسطین و... را دارد و اینگونه آن را مقوله‌ای سیال و برای تمام دورانها معرفی میکند. بطور کلی شعر عاشورایی این دوره از حالت منفعلانه و تکرار خارج میشود و با ارائه رویکردهای حماسی، جامعه‌گرا، تبلیغی، هنری، عرفانی، سیاسی، تاریخی، فلسفی و... در کنار رویکرد احساسی سوگ‌محور، چهره جدیدی را بنمایش میگذارد.

حمایت همه‌جانبه نظام اسلامی از شعر دینی باعث شد که سرودن شعر عاشورایی از سیطره نوحه‌سرایان خارج شود و شاعران غیرمذهبی‌سرا نیز با دیدگاه‌های تازه به سرودن شعر عاشورایی بپردازند و این نیز یکی از عوامل مهم فاصله گرفتن شعر عاشورایی بعد از انقلاب، از مضامین کلیشه‌ای و یکنواخت است. همچنین در دنیای امروز، اقتدار و حماسه، امری مطلوب است و ضعف و زبونی و واپسگرایی مذموم شمرده میشود، بهمین خاطر تشبیه به ملل مقتدر امری مرسوم در بین سایر جوامع است و شاعر انقلاب نیز با درک این واقعیت و با اهداف ارائه سرمشق برای دنیای معاصر، با نگاهی اقتدارگرا و حماسی به این واقعه میپردازد.

شعر زینبی بعنوان شاخه تنومندی از شعر عاشورایی، مورد توجه جدی شاعران بعد از انقلاب قرار گرفت و تحت تأثیر جنگ تحمیلی، فضای غرورآفرین و پیروزمندانانه جامعه علیه رژیم ستم‌شاهی و توجه ویژه به جایگاه و کرامت زن، دچار دگردیسی بنیادین از مرثیه به حماسه شد و در موارد فراوانی از این نوع شعر، دیگر خبری از ضعف و درماندگی و برانگیختن حس ترحم و دلسوزی نیست، بلکه شاعر با نگاهی رشک‌آمیز، به ذکر اقتدار و حماسه و مقام والای حضرت زینب (س) میپردازد. البته باید توجه داشت که واقعه عظیم کربلا، حادثه‌ای فوق تصور و بسیار جانسوز است و بهمین دلیل در شعر عاشورایی بعد از انقلاب نیز که نگاه حماسی و معرفت‌گرایانه و رویکردهای نوظهور غلبه‌ای عام دارد، شاعر نتوانسته است در کنار حماسه و روشنگری در این نوع شعر، به بیان مرثیه و ماتم نپردازد و درواقع مرثیه نیز بعنوان رویکردی مهم با قوت گذشته ادامه دارد. در این دوره به بررسی اشعار عاشورایی موسوی گرمارودی، هراتی، رحیمی، مجد، فرید، میرزایی، سهراب‌نژاد، اسرافیلی، شاهرخی، شکوهی، سبزواری، مجاهدی، صفارزاده، حسینی، معلم، حسینجانی، اکرامی، انصاری‌نژاد، احتشامی و برقی پرداخته‌ایم.

قرار دادن حضرت زینب (س) بتنهایی در مقابل لشکر شمر، ایستادن مقتدرانه وی با وجود کوهی از مصائب و تشبیه او به امام علی (ع) برای نشان دادن چهره‌ای مقتدر از او است:

روبروی لشکری از شمر، تنها ایستاد	کوه را بر شانه‌هایش داشت اما ایستاد...
کوفه خونش خواب رفت و لال شد آنجا که زن	پرده را از چهره‌اش برداشت، مولا ایستاد
	(انار پا به ماه، رحیمی: ص ۵۱)

شاعر با بکار بردن ردیف حصرگونه «اگر زینب نبود» به ترسیم اقتدار حضرت (س) پرداخته و اینگونه قدم در وادی شعر حماسی عاشورایی گذاشته است:

سرّ نی در نینوا میماند اگر زینب نبود
کربلا در کربلا میماند اگر زینب نبود...
چهره سرخ حقیقت، بعد از آن طوفان رنگ
پشت ابری از ریا میماند اگر زینب نبود
(ترینه، فرید: ص ۲۴۹)

شاعر انقلاب با اشارات مکرر به خطبه حضرت زینب (س)، در پی عینیت بخشیدن به اقتدار وی، ارزش روشنگری و همچنین ترویج اهداف قیام در روزگار معاصر است:

گفت آن چنان ظریف، حدیث جمال را
در چشم ظالمان که کند سوزن این چنین؟
(دیروز می‌شوم که بیایی، میرزایی: ص ۳۱۴)

در این دوره برخلاف دوره‌های قبل، به فراخوانی سخنان مقتدرانه و حماسی حضرت (س) پرداخته شده است:
در پاسخ به یزید:

فکر کردی که چون زمانه دو روز
به مرادت شده، شدی پیروز؟...
ترکتازی نکن زمان تنگ است
باش آرام که اسب تو لنگ است...
عاقبت دوزخ است مأوایت
بعذایی فراخور رایت
پدرت برده محمد بود
که ببخشدش و رها بنمود
(منظومه عاشورا، مجد: ص ۱۲۸)

شاعر علاوه بر محتوا و بیان حماسی، با استفاده از واژه‌های تداعی‌کننده اقتدار همچون صاعقه، طوفان، خطبه آتشین و حیدروار بودن برای حضرت (س) بعد از توصیف صحنه‌های مصیبت‌بار سربریده امام (ع) و زنجیر بر گردن امام سجاد (ع)، اوج اقتدار و دریادالی او را بتصویر کشیده است:

با زمزمه بلند توحید آمد
بالای سر شهید جاوید آمد
از خون عمیق خویش سرزرد زینب
چون صاعقه در غیبت خورشید آمد
(پلک صبوری، بابامیری، به نقل از هراتی: ص ۶۳۴)

در تشیت طلا بود سر سردارش
زنجیر گران به گردن بیمارش
طوفان شد و کاخ ظلم را درهم ریخت
با خطبه آتشین حیدروارش!
(همان، به نقل از سهراب‌نژاد: ص ۶۳۲)

حماسه‌آفرینیها و اقتدار امام علی (ع) زبانزد خاص و عام است، بهمین دلیل شاعر انقلاب، اوج اشعار حماسیش را با او و اوصافش پیوند میزند. حضرت زینب (س) در شعر عاشورایی انقلاب چنان اقتداری مییابد که پناهگاه عالم است و الگویی برای ظلم‌ستیزان:

زینبی داری که چون تیغ علی
خطبه‌اش حیرت‌فزای دشمن است
زینبی داری ستون خیمه‌هاست
عالمی در سایه‌سارش ایمن است
(من می‌گوییم شما بگریید، قزوه، به نقل از اسرافیلی: ص ۷۴)

چون به گاه کلام، در میسفت
 کاخ بیداد و کفر ویران ساخت
 دست عزمش چو فاتح خیبر
 با زبان علی سخن میگفت...
 رایت داد بر فلک افراخت
 کرد بنیاد کفر زیروزبر
 (همان، به نقل از شاهرخی: ص ۲۲۱)
 به آرواره کاخ یزید، زلزله ریخت
 چو دید بر لب تو نطق آتشین را
 (پلک صبوری، بابامیری، به نقل از شکوهی: ص ۱۹۳)

شاعر با تشبیه مکرر حضرت زینب (س) و صفات و افعال او به امام علی (ع) که نماد شجاعت و اقتدار است و نیز استفاده از فعل امر "آسکتوا" از زبان حضرتش، او را در موضع قدرت قرار داده است:

در کلامت هیبت شیر خدا
 در زبانت ذوالفقار مرتضی
 خطبه‌هایت کرد ای آخت الولی
 راستی را، کار شمشیر علی
 جان ز تنها برده‌ای از آسکتوا
 ای تو روح آیه لا تقنطوا...
 (ایستاده باید مرد، مجاهدی: صص ۱۳۶-۱۳۵)

دگرگونیهای بنیادین اجتماعی و سیاسی و نیز تأکید بر گفتمان مقاومت و رواج و گسترش بیش از پیش آن، باعث شد ذکر مرثیه صرف و ارائه روایت تاریخی عاشورا، شاعر و مخاطب را اقناع نکند، بهمین دلیل، شاعر نگاه خود را به فلسفه قیام معطوف میکند:

تا عدل هست، رایت او هر طرف بیاست
 تا ظلم هست، نهضت او استوار هست
 تا در زمانه رسم یزید است برقرار
 سودای دادخواهی او برقرار هست
 (من میگویم شما بگریید، قزوه، به نقل از سبزواری: ص ۴۰)

قصد حسین/ سرکوب سلطه ناحب است/ سرکوب مارقین خلافت/ و برقراری سعادت امت/ با انتظام اطاعت/ اطاعت از خدا و رسول و اولوالامر (در پیشواز صلح، صفارزاده: ص ۵۶)

پیام سرخ شهیدان کربلا این است
 که در مصاف ستم ایستاده باید مرد!
 (ایستاده باید مرد، مجاهدی: ص ۴۸)

بر پایه اهداف جهانی انقلاب اسلامی، شاعر این دوره واقعه شگرف عاشورا را به روز دهم محرم سال ۶۱ هجری محدود نمیکند، بلکه با عمق‌بخشی به نگاه خود، به ذکر اهداف قیام، روشنگری و جهتگیری هدفمند، ابراز نظر و طرح دیدگاهها، تشویق و تهییج علیه ظلم، ترویج روحیه حماسی ظلم‌ستیزی و تقدیس شهادت و شهادت‌طلبی میپردازد و بدینگونه چهره‌ای سیال، فرازمانی و فرامکانی از عاشورا بنمایش میگذارد و همین سیال و زنده بودن واقعه، از ویژگیهای برجسته و فراگیر در شعر عاشورایی انقلاب است:

گر بر ستم قرون برآشفست حسین
 بیداری ما خواست، به خون خفت حسین
 آنجا که زمان محرم اسرار نبود
 با لهجه خون، سر مگو گفت حسین
 (هم‌صدا با حلق اسماعیل، حسینی: ص ۱۰۲)

شاعر با آوردن حرف ربط وابسته‌ساز «تا» بر سر گردش زمانه و خروش بحر و اراده معنای استمرار و ابدی از آن و نیز انعکاس واقعه عاشورا با روزگار معاصر و مقصر دانستن خود در عدم حمایت از امام (ع) در روز عاشورا، «کلّ یوم عاشورا و کلّ ارض کربلا» را تحقق بخشیده است:

<p>تا گردش زمانه و لیل و نهار هست این نام پرشکوه بر اوراق روزگار تا موج میخروشید و تا بحر میتپد</p>	<p>نام حسین هست و حسینی شعار هست جاوید هست تا ورق روزگار هست یاد از خروش او به صف کارزار هست (من میگویم شما بگریید، قزوه، به نقل از سبزواری: ص ۴۰)</p>
<p>بی‌درد مردم ما خدا، بی‌درد مردم از پا حسین افتاد و ما بر پای بودیم از دست ما بر ریگ صحرا نطع کردند</p>	<p>نامرد مردم ما خدا، نامرد مردم زینب اسیری رفت و ما برجای بودیم دست علمدار خدا را قطع کردند (رجعت سرخ ستاره، معلّم: ص ۷۹)</p>
<p>ارتباط و پیوند واقعه عاشورا با حوادث روزگار معاصر، بویژه با جنگ تحمیلی و مسائل روز جهان اسلام، از رویکردهای تبلیغی و اجتماعی شعر عاشورایی است که در سایه سیاست نظام، مورد توجه جدی شاعران انقلاب اسلامی قرار گرفته است و با اهداف مختلفی از جمله عینیت بخشیدن به وقایع دینی برای نسل معاصر و همسو کردن جامعه با اهداف انقلاب به آن پرداخته‌اند:</p>	
<p>جاده و اسب مهیاست بیا تا برویم ایستاده است به تفسیر قیامت زینب دست عباس به خون خواهی آب آمده است</p>	<p>کربلا منتظر ماست بیا تا برویم آن سوی واقعه پیداست بیا تا برویم... آتش معرکه برپاست بیا تا برویم (من میگویم شما بگریید، قزوه، به نقل از حسینجانی: ص ۶۸)</p>
<p>در این دوره، برخلاف دوره‌های قبل، شاعر از زاویه اقتدار و حماسه به ذکر مقام والای معنوی امام (ع) و شخصیت‌های مرتبط با عاشورا میپردازد:</p>	
<p>جز تو کس فریاد بیداری نشد ای جلال آسمان شور زمین ای به طور موسوی روح حکیم</p>	<p>تشنه از خویشتن جاری نشد (همان، به نقل از اکرامی: ص ۸۲) معنی پوشیده در زیتون و تین قبله عرفان، صراط مستقیم (همان، به نقل از اسرافیلی: ص ۷۳)</p>
<p>در شعر عاشورایی شاعر انقلاب، واژه‌های محدود و مرسوم و تداعی‌گر ضعف و زبونی‌جایی ندارد، بلکه شاعر براساس اهداف و بیان حماسی خود به انتخاب واژه‌ها و ترکیبات عزتمند و حماسی میپردازد. بطور کلی مدح و ستایش صرف در این دوره در برابر حماسه به حاشیه می‌رود و شاعر به مدح حماسه‌ها و حماسه‌آفرینی‌های حسینیان میپردازد:</p>	
<p>شعله‌فروز دلی ار بر لبی وامگزار لب تو راستی بانگ رسای تو ستم‌سوز شد خواست که غم دست تو بزند، ولی قامت تو قامت غم را شکست</p>	<p>حیدر کرّاری اگر زینبی گفتی و چون شعله به پا خاستی کشته مظلوم تو پیروز شد غم که بود در بر دخت علی؟ دخت علی را نتوان دست بست...</p>

آنچه تو کردی به صف کربلا کرده مخلوق بود یا خدا؟
(باغ سنگ، گرمارودی: ص ۲۹۸-۲۹۷)
در شعر این دوره، تشنگی و عطش در موضع ضعف، جایگاهی ندارد بلکه با پرداختن به بی‌نیازی امام (ع) اقتدار او بنمایش گذاشته میشود:

دریا به طلب از برهوت تو گذشت
آن روز اگرچه تشنه بودی اما
یک قافله نعره در سکوت تو گذشت
صد رشته قنات در قنوت تو گذشت
(من میگویم شما بگریید، قزوه، به نقل از
حسینی: ص ۷۷)

برخلاف دوره‌های قبل که شاعران با توصیف صحنه‌های مصیبت‌بار به نهایت عجز و درماندگی حضرت عباس (ع) میپرداختند و از او شخصیتی سزاوار ترحم و دلسوزی ارائه میدادند، در این دوره شاعران با عبور از ظواهر واقعه، به اقتدار و حماسه‌آفرینی‌های وی میپردازند:

دو برادر بدون ترسی و باک
مشک برداشت و بر اسب نشست
ده ده از دشمنان نموده هلاک...
همچو پیلی دمان و شیری مست
(منظومه عاشورا، مجد: ص ۱۱۳)

تو آن راز رشیدی/ که روزی فرات/ بر لب آورده/ و کنار درک تو/ کوه از کمر شکست

(گنجشک جبرئیل، حسینی: ص ۳۸)

قبضه ذوالفقار در مشتش
کربلا قلعه قلعه خیبر شد
خشم دریاست در سرانگشتش
رفت مثل پدر نشان بدهد
(شمس‌الشرف، انصاری‌نژاد: ص ۹۳)

نخلها دیدند او را فتح بایی پشت زین
نخلها دیدند او را بر بلندای شکوه
اوج گردی، عرش پروازی، عقابی پشت زین
ملتقای قلّه‌ای با آفتابی پشت زین
(یاقوت و انارستان، احتشامی: ص ۲۴۳)

مشک برداشت که سیراب کند دریا را
ناگهان موج برآمد که رسید اقیانوس
رفت تا تشنگیش آب کند دریا را...
تا در آغوش خودش خواب کند دریا را
(طوفان واژه‌ها، برقعی: ص ۲۸)

دستهای حضرت عباس (ع) که در دوره‌های قبل دستمایه مرثیه‌های فراوانی شده بود، در شعر انقلاب با نگاهی حماسی تکیه‌گاه عرش میشوند:

گرچه تیغ و دشنه‌هایش فرش بود
خیمه را هرچند زخم افتاده بود
دستهایش تکیه‌گاه عرش بود
بر عمود قامتش استاده بود
(من میگویم شما بگریید، قزوه، به نقل از
اسرافیلی: ص ۷۵)

پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) و ایفای نقش بی‌بدیل یارانش در این راه، بیش از پیش این مسئله را آشکار کرد که در هر قیامی نقش یاران باوفا در پیروزی و خلق حماسه، برای به سرانجام رسیدن آن قیام و زنده نگه داشتن اهداف آن، انکارناپذیر است. شاعران انقلاب اسلامی نیز با درک این واقعیت، بذکر حماسه‌ها و

جانفشانیهای یاران امام (ع) پرداختند و شاخه‌ی حماسی دیگری بر شعر عاشورایی افزودند که تا پیش از این توجه چندانی به آن نشده بود:

<p>عابسی و جلوۀ عباس داری در نبرد آری این شور دگرگونت دلیلی متقن است (شمس‌الشرف، انصاری‌نژاد: ص ۱۰۸)</p> <p>اما حبیب ریخته با شور حیدری در نامه طرح پر زدنی ناشکیب را (همان: ص ۱۳۷)</p>	<p>عابسی و جلوۀ عباس داری در نبرد آری این شور دگرگونت دلیلی متقن است (شمس‌الشرف، انصاری‌نژاد: ص ۱۰۸)</p> <p>اما حبیب ریخته با شور حیدری در نامه طرح پر زدنی ناشکیب را (همان: ص ۱۳۷)</p>
---	---

شاعر با نگاه حماسی و اقتدارآمیز، شخصیت‌های کربلا را در موضع قدرت قرار داده و به توصیف اقتدار و حماسه‌آفرینی‌های آنها پرداخته است:

<p>خون‌چکان در دل سپه میراند... چون عقابی به چنگ تیز آمد... این یکی ازدها بُد و آن شیر تیغشان گشت اندک‌اندک کُند ملک‌الموت را فراخواندند (منظومه‌ی عاشورا، مجد: ص ۱۱۰)</p> <p>نعره‌ی الله اکبر شو که چندان دیر نیست از پر کاهی سبکتر شو که چندان دیر نیست کای دلاورا! حرّ دیگر شو که چندان دیر نیست (ایستاده باید مرد، مجاهدی: ص ۸۸-۸۷)</p>	<p>حرّ به میدان شد و رجز میخواند همره حرّ، زهیر نیز آمد در چکاچاک نیزه و شمشیر بس که کردند سر ز تنها تند از عدو تازه تیغ بستاندند</p> <p>میتوان غریب مثل رعد و تندر آفرید کوه را آرد به رقص این جذبه‌های ناگهان میزند لبخند بر رویت امام عاشقان</p>
---	---

نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های این پژوهش، شعر عاشورایی معاصر از نظر محتوا و نوع نگاه، به سه دوره‌ی کلی پهلوی اول، پهلوی دوم و انقلاب اسلامی تقسیم میشود. مهمترین عوامل مؤثر بر شعر عاشورایی هر دوره، شرایط اجتماعی و سیاسی بوده است. در دوره‌ی پهلوی اول بعثت شرایط سختگیرانه و خفقانی رضاخان علیه دین، وحشت حکومت از شعر روشنگرایانه و بیداری‌بخش عاشورایی، تقلید از پیشینیان و مقاومت شاعران عاشورایی در برابر تحولات ادبی، عمده‌ی مضامین و ترکیبات آن تکراری، محدود، یکنواخت و حول محورهایی چون وصف ظاهری صحنه‌های حزن‌انگیز روز عاشورا، گزارش روایات تاریخی واقعه، تسلیم محض قضا و قدر و عدم تحرّک و پویایی با استفاده از واژه‌ها و ترکیبات ذلت‌بار و تداعی گر سوگ و ضعف و با نگاهی ماتمزده و از سر عجز و درماندگی به امام (ع) و یارانش، به مرثیه‌سرایی برای برانگیختن حس ترحم و دلسوزی پرداخته است و هیچگونه میل به تحول و همراهی با تحولات کاروان ادبی در آن احساس نمیشود.

در دوره‌ی پهلوی دوم، بسبب بوجود آمدن شرایط نسبتاً باز سیاسی و بتبع آزادی نسبی مذهبی، شعر عاشورایی از نظر کمی رشد چشمگیری پیدا کرد، اما بعثت رونق گرفتن مراسمات عزاداری و برپایی هیئات مذهبی، نیاز جامعه به اشعار ماتمی و نبود اندیشه‌ی نو، همچنان این نوع از شعر دینی، با همان موضوعات محدود پیشین، با نگاهی ماتمزده ارائه شد، تا اینکه بعد از کودتای ۲۸ مرداد و شرایط خاص حاکم بر جامعه، شعر عاشورایی نیز محتاطانه تحولاتی را در نوع ارائه‌ی موضوعات پذیرفت، اما با ظهور گفتمان مبارزه و مقاومت، دستگیری امام خمینی (ره) و شروع قیامهای مردمی، در پاره‌ای از موارد شعر عاشورایی رنگ‌وبوی حماسی و روشنگرانه به خود گرفت.

تأثیر اندیشه‌های نوین دینی و روشنگری‌های اندیشمندان چون شهید مطهری و علی شریعتی نیز در آگاهی بخشی به جامعه و همچنین نگاه حماسی آنان به موضوع عاشورا، باعث تغییر نگاه شاعران در این شاخه از شعر دینی شد و زمینه را برای به اوج رساندن نگاه حماسی و معرفت‌گرایانه بعد از انقلاب فراهم کرد. علاوه بر حفظ اکثر محتواها و شیوه‌های بیان دوره پهلوی اول، در این دوره محتواهای دیگری چون ذکر اهداف قیام عاشورا، مبارزه با ظلم و قیام علیه ظالمان، ذکر اقتدار و حماسه و استفاده از واژه‌هایی چون عدالت و آزادی و نیز واژه‌های تداعی گر حماسه و اقتدار، موجب فاصله گرفتن شعر عاشورایی از فضای ایستای دوره قبل و ظهور رویکردهای تازه شد، اما همچنان عنصر غالب بر شعر عاشورایی این دوره، سوزوگداز و مرثیه است.

اساسی‌ترین تغییر و تحولات شعر عاشورایی، مربوط به بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است که تحت تأثیر جنگ تحمیلی، حمایت‌های همه‌جانبه از شعر دینی، فضای حماسی حاکم بر جامعه، همسویی شعر دینی با اهداف انقلاب، تأکید بر گفتمان مبارزه و مقاومت و نیز بر پایه تحولاتی که در اواخر دوره پهلوی دوم در این نوع از شعر آغاز شده بود، در محتوا و شیوه ارائه مضامین ظاهر شد، بگونه‌ای که با قرائتهای مختلف از واقعه عاشورا، رویکردهای تازه جامعه‌گرا، حماسی، تبلیغی، سیاسی و... در کنار رویکرد تکراری سوگ‌محور بیان شدند و سمت‌وسوی آن با طلوع افقهای نو، تغییر جهت داد.

بطور کلی در این دوره، نگاه حماسی، مضامین و واژه‌های اقتدارگرا، جای نگاه ماتمزده، مضامین و واژه‌های ذلت‌بار و ترحم‌برانگیز را در شعر عاشورایی گرفت و شاعران بجای محدود کردن عاشورا در روز و مکانی خاص و پرداختن به چند موضوع محدود، آگاهانه و با عبور از سطحی‌نگری و با تعمق در واقعه، آن را با مسائل روز جامعه ایران و جهان اسلام پیوند زدند و همچنین با نگاهی سراسر حماسی و معرفت‌گرایانه به امام (ع) و یارانش و نیز استفاده از واژه‌ها و ترکیبات غرورآفرین و حماسی به ذکر اهداف و انگیزه‌های شکل‌گیری قیام، روشنگری، جهت‌گیری و جهت‌دهی افکار عمومی پرداختند و شعر عاشورایی برای اولین بار در طول تاریخ خود، شعری سراسر اقتدارگرا، برانگیزاننده و روشنگرایانه شد و سرمشقی برای تسلیم‌ناپذیری در برابر ظلم در روزگار معاصر ارائه داد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه لرستان استخراج شده است. دکتر محمدرضا روزبه راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای مسعود سعادت‌بی‌عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. دکتر صفیه مرادخانی و دکتر علی نوری بعنوان مشاوران رساله، با کمک و راهنمایی در تجزیه و تحلیل داده‌ها نقش مشاوران این پژوهش را ایفا کرده‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر چهار پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر و قدردانی خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشگاه لرستان که نویسندگان را در انجام و ارتقا کیفی این پژوهش یاری داده‌اند، اعلام نمایند.

تعارض و منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی در آن صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بر عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده می‌گیرند.

REFERENCE

- Amiri Firoozkoobi, Karim. (۱۹۹۰). Poetry Divan. ۲nd ed. Tehran: Sokhan.
- Ansarinejad, Mohammad Hussein. (۲۰۲۰). Shams Alsharaf. Qom: Hajar.
- Arianpour, Yahya. (۲۰۰۳). From Saba to Nima. ۱nd ed. Tehran: Zavvar.
- Atash Isfahani, Mirzahassan. (۲۰۱۳). Divan. Correction by Javad Hashemi. Tehran: Culture and art Entrepreneurs Cooperative Company.
- Babamiri, Mohammad and Rafiei, Mohammad and Ghaffari, Mohammad. (۲۰۱۲). Patience eyelid. Qom: Ganj-e Erfan.
- Bahar, Mohammad Taqi. (۲۰۰۸). Poetry Divan. Tehran: Agah.
- Chaychian, Habib. (۱۹۶۹). Shed tears. Tehran: Elmeyeh Eslamiyeh.
- Ehteshami Honeh Gani, Khosrow. (۲۰۱۰). Yakut and Anarastan. ۴nd ed. Tehran: Taka.
- Gharavi Isfahani, Mohammad Hussein. (۱۹۵۹). Poetry Divan. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya.
- Hosseini, Hassan. (۱۹۸۴). Sound with ishmaels throat. Tehran: Islamic propaganda organization publishing unit.
- Hosseini, Hassan. (۲۰۱۶). Ganjashak and Gabriel. ۱۰nd ed. Tehran: Ofogh.
- Kafi, Gholamreza. (۲۰۰۷). Description of the Ashura noon poem. Tehran: Ashura Cultural Complex.
- Majd, Omid. (۲۰۲۰). Ashura system. ۴nd ed. Tehran: Omid Majd.
- Mirzaei, Mohammad Sa'eed. (۲۰۰۸). I will come yesterday. Tehran: Taka.
- Mo'allem Damghani, Ali. (۲۰۰۶). Red Star Return. ۲nd ed. Tehran: Sureh Mehr.
- Moayed Khorasani, Reza. (۲۰۱۵). Light Ships. Mashhad: Astone Qodse Razavi.
- Mojahedi, Mohammad Ali. (۲۰۰۰). The glory of Ashura poetry. Qom: Islamic Research Center.
- Mojahedi, Mohammad Ali. (۲۰۰۷). Karvan Ashura poetry. Qom: Zamzam Hedayat.
- Mojahedi, Mohammad Ali. (۲۰۰۸). Standing must die. ۲nd ed. Qom: Jelveh Kamal.
- Mousavi Garmaroodi, Ali. (۲۰۰۷). Rock Garden. Tehran: Taka.
- Muhaddesi, Javad. (۲۰۰۸). Ashura culture. ۱۲nd ed. Qom: Ma'rouf.
- Negarandeh, Abdolali. (۲۰۱۹). Divan. Correction and reserch by Javad Hashemi. Mashhad: Astan Qods Razavi.
- Qazveh, Alireza (Gardawardeh). (۲۰۰۶). I say you cry. Tehran: Sureh Mehr.
- Rahimi, Mehdi (۲۰۰۸). Pomegranate feet to the moon. Tehran: Taka.

- Riyazy Yazdy, Mohammad Ali. (۱۹۹۲). Divan, Corrected by Hussein Ahi. Tehran: Jomhory.
- Sabzevari, Hamid. (۱۹۸۸). Hymn of Pain. Tehran: Keyhan.
- Saffarzadeh, Tahereh. (۲۰۰۷). In the welcome of peace. Tehran: Neyestan.
- Saghir Isfahani, Muhammad Hussain. (۲۰۱۱). Misfortune nama. ۱st ed. Isfahan: Saghir.
- Saket Isfahani, Mohammad Hasan. (۱۹۹۰). Divan. Isfahan: Saghir.
- Shahriar, Mohammad Hussein. (۲۰۰۳). Poetry Divan. Tehran: Negah.
- Tahmasebi (Farid), Qader. (۲۰۰۸). The most. Tehran: Taka.

فهرست منابع فارسی

- از صبا تا نیما، آربین پور، یحیی، (۱۳۸۲)، چاپ هشتم، تهران: زوآر.
- انار پا به ماه، رحیمی، مهدی، (۱۳۸۷)، تهران: تکا.
- ایستاده باید مرد، مجاهدی، محمدعلی، (۱۳۸۷)، چاپ دوم، قم: جلوه کمال.
- باغ سنگ، موسوی گرمارودی، سیدعلی، (۱۳۸۶)، تهران: تکا.
- پلک صبوری، بابامیری، سیدمحمد، رفیعی، محمد و دیگران (۱۳۹۱)، قم: گنج عرفان.
- ترینه، طهماسبی (فرید)، قادر، (۱۳۸۷)، تهران: تکا.
- در پیشواز صلح، صفارزاده، طاهره، (۱۳۸۶)، چاپ دوم، تهران: هنر بیداری.
- دیروز میشوم که بیایی، میرزایی، محمدسعید، (۱۳۸۷)، تهران: تکا.
- دیوان، آتش اصفهانی، میرزاحسن، (۱۳۹۲)، تصحیح جواد هاشمی، تهران: شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر.
- دیوان، امیری فیروز کوهی، کریم، (۱۳۶۹)، چاپ دوم، تهران: سخن.
- دیوان، بهار، محمدتقی، (۱۳۸۷)، تهران: آگاه.
- دیوان (ای اشکها بریزید)، چایچیان، حبیب، (۱۳۴۸)، تهران: علمیه اسلامیه.
- دیوان، ریاضی یزدی، محمدعلی، (۱۳۷۱)، تصحیح حسین آهی، تهران: جمهوری.
- دیوان، ساکت اصفهانی، محمدحسن، (۱۳۶۹)، اصفهان: صغیر.
- دیوان، شهریار، محمدحسین، (۱۳۸۲)، تهران: نگاه.
- دیوان، غروی اصفهانی، محمدحسین، (۱۳۳۸)، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- دیوان، نگارنده، عبدالعلی، (۱۳۹۸)، تصحیح و تحقیق جواد هاشمی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- رجعت سرخ ستاره، معلم دامغانی، علی، (۱۳۸۵)، چاپ دوم، تهران: سوره مهر.
- سرود درد، سبزواری، حمید، (۱۳۶۷)، تهران: کیهان.
- سفینه‌های نور، موید خراسانی، رضا، (۱۳۹۴)، مشهد: آستان قدس رضوی.
- شرح منظومه ظهر عاشورا، کافی، غلامرضا، (۱۳۸۶)، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- شکوه شعر عاشورا، مجاهدی، محمدعلی، (۱۳۷۹)، قم: مرکز تحقیقات اسلامی.
- شمس‌الشرف، انصاری نژاد، محمدحسین، (۱۳۹۹)، قم: هاجر.
- فرهنگ عاشورا، محدثی، جواد، (۱۳۸۷)، چاپ دوازدهم، قم: معروف.
- کاروان شعر عاشورا، مجاهدی، محمدعلی، (۱۳۸۶)، قم: زمزم هدایت.

گزیده ادبیات معاصر، صفارزاده، طاهره، (۱۳۸۷)، تهران: نیستان
گنجشک و جبرئیل، حسینی، سیدحسین، (۱۳۹۵)، چاپ دهم، تهران: افق.
مصیبت‌نامه، صغیر اصفهانی، محمدحسین، (۱۳۹۰)، چاپ هجدهم، اصفهان: صغیر.
منظومه عاشورا، مجد، امید، (۱۳۹۹)، چاپ چهارم، تهران: امید مجد.
من میگویم شما بگریید، قزوه، علیرضا (گردآورنده)، (۱۳۸۵)، چاپ دوم، تهران: سوره مهر.
هم‌صدا با حلق اسماعیل، حسینی، حسن، (۱۳۶۳)، تهران: انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
یاقوت و انارستان، احتشامی هونه‌گانی، خسرو، (۱۳۸۹)، چاپ چهارم، تهران: تکا.

معرفی نویسندگان

مسعود سعادت‌تی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.
(Email: masoodsaadati66@gmail.com)
محمد رضا روزبه: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.
(Email: raya.roozbeh@yahoo.com) (نویسنده مسئول)
صفیه مرادخانی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.
(Email: safiyeh.moradkhani@yahoo.com)
علی نوری: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.
(Email: noori67@yahoo.com)

COPYRIGHTS

© ۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Masoud Saadati: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Lorestan, Khorramabad, Iran.
(Email: masoodsaadati66@gmail.com)
Mohammad Reza Roozbeh: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Lorestan, Khorramabad, Iran.
(Email: raya.roozbeh@yahoo.com) : Responsible author)
Safieh Moradkhani: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Lorestan, Khorramabad, Iran.
(Email: safiyeh.moradkhani@yahoo.com)
Ali Nouri: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Lorestan, Khorramabad, Iran.
(Email: noori67@yahoo.com)